

زین العابدین رهنما

زندگانی امام حسین (ع)



رهنما، زین العابدین، ۱۲۷۲-۱۳۶۸.

زندگانی امام حسین(ع) / زین العابدین رهنما. -
تهران: زوآر، ۱۳۹۳.

۲ ج. در یک مجلد.

ISBN: 978-964-401-002-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

این کتاب تحت عنوان زندگانی امام حسین بن علی بن ابی طالب
علیه السلام توسط انتشارات زوآر ۱۳۶۵ منتشر شده است.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

چاپ بیست و پنجم.

۱. حسین بن علی(ع)، امام سوم، ۴-۶۱ ق. - سرگذشتنامه.

الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۳

BP۴۱/۴/۹۹۹

۱۳۸۱

م ۷۷-۹۲۳

کتابخانه ملی ایران



انتشارات زوآر

□ زندگانی امام حسین(ع)

□ زین العابدین رهنما

□ نوبت چاپ / بیست و پنجم - ۱۳۹۳

□ لیتوگرافی و آماده سازی چاپ: عثمی

□ نظارت بر چاپ و صحافی / فرناز کریمی

□ شمارگان / ۷۷۰ نسخه

□ چاپ / خاشع

□ صحافی / رتوف

□ شابک / ۶-۰۰۲-۴۰۱-۹۶۴-۹۷۸

□ تهران، خیابان انقلاب، خیابان دوازدهم فروردین، نبش شهید نظری، پلاک ۲۷۸

□ تلفن: ۰۳-۶۶۴۶۲۵-۶۶۴۸۳۴۲۳ / ۶۶۴۸۳۴۲۲-۶۶۴۸۳۴۲۳

□ قیمت ۳۸۰۰۰ تومان

تقریظ بر کتاب
زندگانی امام حسین علیه السلام
 نوشته آیت الله حاج شیخ خلیل کمره‌ای

ن. وَالْقَلَمَ وَمَا يَسْطُرُونَ - تقریظ بر این کتاب «زندگی امام حسین علیه السلام» تألیف منیف آقای رهنما از قلمی باید، چون قلم خود ایشان.

جناب آقای رهنما

قلمی باید، چون قلم خودت عاریت به من بدهی، تا من تقریظ بر کتاب زندگانی امام حسین علیه السلام را بنگارم.

یا زبانی چون زبان خودت در دهان من بگذار تا من بتوانم حق این زبان و قلم را ادا کنم، ولی تا زبان، زبان من و قلم، قلم من باشد؛ و کتاب، کتاب تو، و زبان قلم، زبان تو باشد باید گفت: این اثری من الثریا؟؟

فقط این را به عنوان شادباش به شما می‌گویم که این نعمت بر شخص شما گوارا باد که این قلم را در پای شخصیت والاّی حضرت مولی‌الکونین ابوعبدالله الحسین علیه السلام افکنده‌اید، و سرور آزادگان و آزاد مردان جهان، امام خود را به سروری انتخاب کرده‌اید و موضوع اندیشه قهرمانی خود شناخته‌اید و صحنه اوقات عمر خود و اطوار فکر خود را با چنین افکار، جواهر نشان کرده‌اید. و صفحه‌های جواهر نشانی که از بهترین جواهر لؤلؤ و زیرجد و فیروزه و عقیق و یاقوت چیده شود، گران قیمت‌تر از صفحات تابلوهای جواهر نشان این کتاب نیست. زیرا جواهرات این لآلی با خون عزیز حسین علیه السلام و عزیزان خدا رنگین شده و با آب و رنگ تجزیه عدل و جور آب داده شده است.

ولی من خیره از قدرت خلاقه این قلم هستم، که بعد از این همه تألیفات بی‌حد و حصر و شمار که در حق حسین علیه السلام در چهارده قرن نگاشته شده، توانسته‌اید کتابی بکر و

ابتکاری بدیع در همان موضوع، از کار چنان در آورید که شاه کار ابداع باشد با آن که به شماره شهور و ستین چهارده قرن، درباره امام حسین علیه السلام کتاب نگاشته شده است.

آیا این از قدرت خلاقه این قلم نیست؟؟

من اگر می خواستم از این کتاب به طور گل چین انتخاب کنم و فقط درباره آن گل چین سخن بگویم می دیدم، بایدم همه کتاب را گل چین کنم، بای هر جمله ای، جمله ای به تمجید بگویم و روی هر فصلی، فصلی باز کنم و برابر کل کتاب، کتابی بنگارم تا از عهده تمجید لایق آن برآیم و یا باز بر بنایم و لذا از این کار چشم پوشیدم و گذشتم، ولی از هر چه بگذرم از قدرت خلاقه و نظم این فکر در چند صحنه نمی توانم بگذرم و چیزی نگویم:

یکی صحنه خواب دیدن معاویه از شیطان که آیات سخن مثنوی را در مناسب ترین موقع زندگانی معاویه گنجانیدند.

و دیگر صحنه جنگ نهاوند و خاتمه آن و آن موبدان ایران که در تمام کشتگان ایرانیان یک تن کشته را به نشانی فرزند خودش پیدا نکرد، آن جا می بینیم.

این کتاب از شکست ایران برای ایرانیان درس عبرتی می سازد. آری در هر شکست، هوش انسان، بیدار خطاهای خود می شود، ولی به طوری، شکست ایرانیان را آورده اید که سرافکندگی برای ایران بار نیاورده اید، چنان که برای اسلامیان از فتح یزید شکستی برای یزید و فاتحین یزیدی ساخته اید که عموم خلائق امروز هم آن را از درون شکست خورده یزید احساس می کنند و احساسات عمیق درون آن دوران را چنان نزدیک و مجسم کرده اید که برای عموم خوانندگان در این زمان هم مشهود و ملموس و محسوس است.

و هم چنین سرافرازی حسین علیه السلام و سردادگان راه خدا را با این که کشته شدند، چنان که باید به حیات ابدی وانموده اید.

لهم جسوم علی الرضا مهملة	و انفس فی جوار الله یقربها
کان قصادها بالضر نافعها	و ان قاتلها بالسيف مسحها

آری این کتاب از مکررات، ابتکار در آورده و از موت، حیات می سازد.

سرت سبز و دلت خوش باد جاوید کسه خسوش نقشی نمودی از رخ یار
نمی دانم آیا این کتاب راه می دهد کس دیگری و فکر و قلم دیگری در این موضوع چیزی
بنگارد و راهی برای مثل این جانب باز می گذارد که جلد پنجم «عنصر شجاعت - هفتاد و دو تن و
یک تن» که برای عنصر ممتاز هفتاد و دو تن و برای دیدار چهره شخص حسین علیه السلام و
شهادی آل بیت او (ع) در افق اعلی است، بتوانم از کار آورم، مگر به حول و قوه الهی.

من و هر نویسنده کتابی بعد از این کتاب درباره حسین علیه السلام بایدش دو مرتبه و دو بار حول و قوه اله را بنگرد، یکی درباره این کتاب و این قدرت قلم بگوید: لا حول و لا قوة الا بالله و دیگر آن که برای کار خود استمداد بگوید و بگوید: بحول الله و قوته.

خلیل کمره‌ای

نویسنده کتاب هفتاد و دو تن و یک تن «عنصر شجاعت»

نقل از روزنامه کیهان

فهرست مندرجات جلد اول

این کاخ، کاخ تو نیست.....	۱	فصل اول
آن مهر برای چه و این کین از چه رو بود؟.....	۶	فصل دوم
آیا این، شکست ایرانیان بود؟.....	۹	فصل سوم
برای که و برای چه می جنگیدند؟.....	۱۶	فصل چهارم
پیروزی فکر و ایمان بودن پیروزی سران و فرمانروایان.....	۲۴	فصل پنجم
آتشی که نهفته بود!.....	۲۹	فصل ششم
حاصل عمر او زن بود و شراب بود و عشق بود!.....	۳۵	فصل هفتم
مقاومت هایی که زندگی را جاویدان می سازد.....	۴۷	فصل هشتم
مردان با ایمان در راه عقیده و آزادی آشکارند.....	۵۳	فصل نهم
نه از ایمان و عقیده خود دست برمی داریم و نه از آنچه کرده ایم،		فصل دهم
پشیمانیم.....	۵۷	
بازداشت جمعیت دوستداران درستی و پرهیزکاری.....	۶۱	فصل یازدهم
دسیسه طلاق ارینب.....	۶۷	فصل دوازدهم
تماشای پرده های شوریده یک زندگی در یک شب.....	۷۰	فصل سیزدهم
وقتی که تمایلات و آرزوهای انسان متشعب می شود.....	۷۴	فصل چهاردهم
شوریدگی های یزید در دل و فکر ارینب.....	۷۸	فصل پانزدهم
عبدالله با چه اندیشه هایی وارد دمشق شد.....	۸۵	فصل شانزدهم
یکی از چهار بهشت روی زمین.....	۸۹	فصل هفدهم
در قصر الخضراء معاویه.....	۹۳	فصل هجدهم
دمدمه و فریب بزرگ.....	۱۰۳	فصل نوزدهم

گفت وگویی معاویه با شیطان در خواب و بیداری..... ۱۱۰	فصل بیستم
آن آه دل راه به من ده و این نماز مرا تو بستان..... ۱۱۸	فصل بیست و یکم
عبدالله بی پروا همه چیز راه راهب گفت..... ۱۲۴	فصل بیست و دوم
دو بی خوابی و دو پرده سیاه و سپید در حیات بشری..... ۱۳۲	فصل بیست و سوم
کسانی که از مرگ ترسند جاویدان می مانند..... ۱۳۷	فصل بیست و چهارم
آیا شایعه حرکت کاروان عروس یزید به دمشق راست بود؟..... ۱۴۲	فصل بیست و پنجم
داستان طلاق اربیب در محضر حسین (ع) فاش شد..... ۱۴۷	فصل بیست و ششم
داستان بی بی شهربانو و مقام او نزد امام..... ۱۵۴	فصل بیست و هفتم
آنچه مردم می گفتند..... ۱۶۳	فصل بیست و هشتم
اربیب به نور باطن حسین (ع) پناه برد..... ۱۶۸	فصل بیست و نهم
حسین کی بود که اربیب به نور او پناه برد..... ۱۷۵	فصل سی ام
مقدمات جنگ نهاوند..... ۱۹۴	فصل سی و یکم
نعمان در جنگ خوزستان و جنگ نهاوند چه هدفی داشت..... ۲۰۲	فصل سی و دوم
تاریخ از این نادانسته ها بسیار دارد!..... ۲۱۳	فصل سی و سوم
به جای یزدگرد چه مردی در طاق کسری به فرمانروایی پرداخت؟..... ۲۱۹	فصل سی و چهارم
اسپهبدان یزدگرد به نمایندۀ عرب چه گفتند؟..... ۲۲۹	فصل سی و پنجم
شکست نهاوند و خواب عمر..... ۲۴۴	فصل سی و ششم
چرا چنین شدیم؟..... ۲۵۶	فصل سی و هفتم
اندیشه در یک گذشته دور و دراز..... ۲۶۳	فصل سی و هشتم

فهرست مندرجات جلد دوم

۲۸۱	خلافت عمر	فصل اول
۲۹۱	قاتل عمر کی بود؟	فصل دوم
۲۹۶	خلافت عثمان	فصل سوم
۳۰۹	محاصره خانه عثمان	فصل چهارم
۳۱۵	و با این اشتباه آخر به زندگی خود پایان داد	فصل پنجم
۳۲۱	حدیث طوع و رغبت	فصل ششم
۳۲۸	علی که بود؟	فصل هفتم
۳۴۰	خلافت علی با چه روشی آغاز شد؟	فصل هشتم
۳۴۷	نمی توانم ستمگر و نادوست را بر سر کار نگاه دارم	فصل نهم
۳۵۱	نخستین دسیسه بر ضد علی (ع)	فصل دهم
۳۵۷	جنگ جمل یا نخستین جنگ میان مسلمانان	فصل یازدهم
۳۶۲	کاشکی مرده بودم و به جنگ علی نرفته بودم	فصل دوازدهم
۳۶۹	بگو مردانی چنین	فصل سیزدهم
۳۷۸	جواب علی را من خواهم داد	فصل چهاردهم
۳۸۵	به فردای دور و نزدیک کاری نداریم	فصل پانزدهم
۳۹۰	روزها برای علی خالی و برای معاویه پُر می گذشت	فصل شانزدهم
۳۹۵	و کلمه جای خود را به شمشیر سپرد	فصل هفدهم
۴۰۲	ولی نیروی دیگری هم در کمین نیروی شمشیر بود	فصل هجدهم
۴۱۰	در آخرین لحظه شکست به فریب و مکر متشبث شدند	فصل نوزدهم
۴۱۷	بار دیگر دسیسه و مکر بر حقیقت و درستی پیروز شد	فصل بیستم

۴۲۵	نتیجه رأی حکایت	فصل بیست و یکم
۴۳۰	راه علی و راه معاویه	فصل بیست و دوم
۴۳۵	شمشیرها را پنهان کرده‌اید و عار و تنگ را آشکار	فصل بیست و سوم
۴۴۰	این سپاه عظیم به کوفه بازگشت	فصل بیست و چهارم
۴۴۵	راه قضا و قدر	فصل بیست و پنجم
۴۴۸	شبی که علی گذراند و شبی که قطام گذراند	فصل بیست و ششم
۴۵۴	آن کس که در انتقام چیزی از عشق نهفته داشت	فصل بیست و هفتم
۴۵۹	توطئه قتل سه نفر در کار بود	فصل بیست و هشتم
۴۶۳	چراغی که خاموش شد و چراغی که روشن ماند	فصل بیست و نهم
۴۶۹	پس از فوت علی چه گذشت؟	فصل سی ام
۴۷۹	رفتار بسیار شدید با پیروان علی	فصل سی و یکم
۴۸۳	سیاست مسموم کردن	فصل سی و دوم
۴۸۸	اگر مردم نتوانند انتقام بگیرند، خدایم گیرد	فصل سی و سوم
۴۹۲	به خدا که من به جمال تو نظر داشتم و نه به مال تو	فصل سی و چهارم
۴۹۷	سرانجام معاویه جانشین معین کرد	فصل سی و پنجم
۵۰۳	آنچه در لبان مردم پنهان بود	فصل سی و ششم
۵۰۷	معاویه راه مدینه را پیش گرفت	فصل سی و هفتم
۵۱۲	زمینه‌سازی معاویه برای خلافت یزید	فصل سی و هشتم
۵۲۰	عمر دروغ و فریب چند دقیقه پیش نبود	فصل سی و نهم
۵۲۴	بیماری شگفت‌انگیز معاویه	فصل چهلیم
۵۳۲	آخرین سخنان معاویه در بالین مرگ	فصل چهل و یکم
۵۳۸	نخستین دستور یزید	فصل چهل و دوم
۵۴۵	حسین بر سر قبر جدش	فصل چهل و سوم
۵۵۰	خیر فوت معاویه	فصل چهل و چهارم
۵۵۷	هزاران نامه و هشتاد هزار داوطلب	فصل چهل و پنجم
۵۶۲	تا وقتی که برای جنایت، جنایتکار پیدا می‌شود	فصل چهل و ششم
۵۶۷	گفتند: حسین وارد کوفه شد	فصل چهل و هفتم

فصل چهل و هشتم	به هر شکل باشد باید ستمگر و نادرست را از میان بُرد	۵۷۱
فصل چهل و نهم	هانی رایه زندان بردند	۵۷۶
فصل پنجاهم	مسلم با چه شرطی تسلیم شد؟	۵۸۰
فصل پنجاه و یکم	دو سرشت گوناگون	۵۸۴
فصل پنجاه و دوم	آنجا که برای بریدن سر دو کودک پاداش می طلبند	۵۸۸
فصل پنجاه و سوم	حرکت حسین به کوفه	۵۹۳
فصل پنجاه و چهارم	این است سر نوشت من و آن است سر نوشت تو	۵۹۷
فصل پنجاه و پنجم	قسم به خدا که در کار خود حیرانم	۶۰۹
فصل پنجاه و ششم	پاکی را بر ناپاکی ترجیح داد	۶۱۶
فصل پنجاه و هفتم	گروهی که زندگی را به وسیله مرگ تأمین می کنند	۶۲۳
فصل پنجاه و هشتم	نخستین سر بریده	۶۳۰
فصل پنجاه و نهم	حسین به جراحتهای برادرش خیره شده بود	۶۳۸
فصل شصتم	نبرد آخرین مرد	۶۴۶
فصل شصت و یکم	شب یازدهم: شام غریبان	۶۵۳
فصل شصت و دوم	چیزهایی که مردم هرگز ندیده بودند	۶۶۱
فصل شصت و سوم	چه جواب خواهید داد	۶۶۷
فصل شصت و چهارم	در بارگاه ابن زیاد	۶۷۶
فصل شصت و پنجم	اهل بیت و سرهای بریده رایه شام بردند	۶۸۶
فصل شصت و ششم	در شهر دمشق	۶۹۶
فصل شصت و هفتم	در بارگاه یزید	۷۰۱
فصل شصت و هشتم	آغاز یک نوع زندگی جاودان و پایان یک عمر چند روزه	۷۱۶